

اهمیت بنیادین پیوند دوستانه فدراسیون روسیه و جمهوری خلق چین

گنادی زوگانف

ترجمه خسرو باقری



دولت دونالد ترامپ سیاست مقابله با توسعه چین سوسیالیستی را با سرعت، شدت می‌بخشد. اقدامات دستگاه دولتی ترامپ در شرایطی تشدید می‌شود که بحران‌های جهانی عمق‌یافته، واگیری پرشتاب ویروس کرونا و انتخابات ریاست جمهوری آینده آمریکا در جریان است. عملیات آمریکا با هدف تضعیف اقتصاد و ثبات سیاسی جمهوری خلق چین با سرعت ابعاد گوناگونی به خود می‌گیرد. ابزارهای «قدرت نرم» برای مقابله با پکن کارایی خود را از دست داده‌اند. اما واشنگتن نه تنها مسیر گفتگو و همکاری گسترده را در پیش نمی‌گیرد؛ بلکه بر عکس سیاست جنگ طلبی علیه چین را تشدید می‌کند.

سال‌هاست که استراتژیست‌های آمریکایی، تمام تلاش خود را بر متزلزل کردن تمامیت ارضی و تحلیل بردن اقتصاد چین متمرکز کرده‌اند. اقدامات آمریکا در بی‌ثبات کردن شرایط در مناطق خود مختار «سین کیانگ» اویغور، تبت و در مناطق آزاد «آئومین» و «سیان گنگ» شکست خورده است. واشنگتن در اقدامات تحریک‌آمیز خود در هنگ کنگ با بی‌اعتنایی تمام و کمال روبرو شده است. کوشش‌های آمریکا برای تضعیف قدرت چین از طریق تحمیل

تعرفه‌های گمرکی سنگین، که برخلاف قوانین سازمان تجارت جهانی است؛ هیچ حاصلی به بار نیاورده است. اعمال تبعیض علیه شرکت هوآوی و دیگر شرکت‌های چینی نیز، کمکی به این سیاست‌ها نکرده است. بنابراین در این مرحله، سیاست جنگ طلبی آشکار با جمهوری خلق چین بر سیاست واشنگتن غلبه یافته است. در دولت آمریکا صداها بالاتر و بالاتر می‌روند و اظهارات جنگ طلبانه بیشتر و بیشتری مطرح می‌شوند. مقامات آمریکا، حزب کمونیست چین را «یکی از بزرگ‌ترین تهدیدها» برای موجودیت ایالات متحده آمریکا اعلام می‌کنند.

رهبری آمریکا در تلاش برای کشاندن جهان به جنگ جهانی نوین و حفظ هژمونی خود، به تحریکات و ماجراجویی‌های تازه‌ای دست می‌زند. مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا و رئیس پیشین سازمان سیا، در ۲۳ ژوئیه با گستاخی اعلام کرد که آمریکا علاقمند است که روسیه را به تقابل با چین بکشد. او گفت این امکان از «روابط طبیعی» بین پکن و مسکو ریشه می‌گیرد. با این اظهارات موزیانه باید با هشجاری برخورد کرد.

در رابطه با چین، سیاست ایالات متحده آمریکا از همان منطقی پیروی می‌کند که در جریان نابودی اتحاد شوروی دنبال می‌کرد. از چین دشمنی ساخته می‌شود که باید هم چون اتحاد شوروی که «تهدید نابودکننده‌ای علیه جهان آزاد بود»، از شرش خلاص شد. سخنرانی پمپئو در کتابخانه ریاست جمهوری ریچارد نیکسون در واقع برگردان نعل به نعل سخنرانی چرچیل در فولتون است. تنها تفاوت در این است که اکنون ایالات متحده آمریکا خواستار آغاز جنگ صلیبی علیه جمهوری خلق چین است.

رئیس دیپلماسی آمریکا اعلام کرد: «اگر جهان آزاد، چین کمونیستی را تغییر ندهد، چین کمونیستی ما را تغییر خواهد داد.» او در ادامه گفت: «جهان آزاد باید بر استبداد جدید پیروز شود.» در همین حال پمپئو خواستار تشکیل ائتلاف «کشورهای دموکراتیک» و کشاندن روسیه به این ائتلاف شد. بنا بر اظهارات او، واشنگتن و مسکو در همکاری با یکدیگر می‌توانند به «چالش‌های اصلی استراتژیک» جهان پاسخ دهند و آن را «امن‌تر» کنند.

در رابطه با چین، سیاست ایالات متحده آمریکا از همان منطقی پیروی می‌کند که در جریان نابودی اتحاد شوروی دنبال می‌کرد. از چین دشمنی ساخته می‌شود که باید هم چون اتحاد شوروی که «تهدید نابودکننده‌ای علیه جهان آزاد بود»، از شرش خلاص شد.

باید توجه کرد که این به اصطلاح پیشنهاد مایک پمپئوبی نهایت خطرناک و ویرانگر است و می‌تواند به تشدید تنش بین‌المللی و تسریع مسابقه تسلیحاتی منجر شود. در عین حال هدف از این پیشنهاد سنگ‌اندازی و تخریب در دوستی و پیوند استراتژیک بین فدراسیون روسیه و جمهوری خلق چین است.

این ترفند آمریکا مبنی بر تشکیل ائتلافی جهانی علیه چین، بیانگر آن است که آمریکا دیگر به تنهایی قادر نیست به مقابله با جمهوری خلق چین برخیزد. در عین حال، ساختار لرزان و فاقد انسجام کنونی ناتو برای رسیدن به چنین آماجی کارایی لازم را ندارد. شماری از کشورهای اروپایی هم اکنون از نظر اقتصادی فعالانه با جمهوری خلق چین همکاری می‌کنند و مقابله با پکن به نفع آنها نیست. افزون بر این، بدون همکاری فدراسیون روسیه، سیاست منزوی ساختن چین عملاً ناممکن است.

اخیراً مقامات آمریکا، آن‌روی سیاست پلید خود، مبتنی بر کمونیسم‌ستیزی، روسیه‌هراسی و نفرت ضدچینی خود را بیش از پیش به روشنی آشکار کرده‌اند. کاخ سفید واشنگتن، با گستاخی موارد بیشتری از سیاست تهاجمی خود را اعلام می‌کند. خلق‌های جهان نمی‌باید ماجراجویی‌های امپریالیسم آمریکا در کره و ویتنام، یوگسلاوی و عراق، افغانستان و لیبی را فراموش کنند. تازه‌ترین قربانیان سیاست‌های امپریالیسم، مردم اوکراین هستند که در چنگال سیاه‌ترین نیروهای ارتجاعی اسیرند و نیز مردم دونتسک که از قتل عام وحشیانه و گرسنگی رنج می‌برند.

خشم روزافزون جهان‌خواران قابل درک است. چین تحت رهبری حزب کمونیست با موفقیت به بنای ساختمان سوسیالیسم ادامه می‌دهد. این کشور با اعتماد به نفس کامل بر پیامدهای واگیری ویروس کرونا فائق آمده است. برخلاف سایر کشورهای بزرگ، اقتصاد جمهوری خلق چین تا پایان سال، روند مثبت را طی خواهد کرد. رهبران چین به مردم سیاره ما نشان می‌دهند که چگونه می‌توان فقر خانمان‌برانداز را ریشه‌کن کرد و تکنولوژی برتر را گسترش داد. پکن کاملاً از این امکان برخوردار است که رهبری اقتصاد، توسعه علمی-فنی و نوآوری‌های جهان را به دست گیرد.

الگوی روابط بین‌المللی پیشنهادی چین نیز روز به روز برای خلق‌های جهان جاذبه

بیشتری ایجاد می‌کند. در سیاست‌های بین‌المللی چین، جایی برای جهانی‌سازی و وحشت مردم جهان از رشد نابرابری، افزایش مناقشات جهانی و ظهور استعمارگران جدید جهان وجود ندارد. مضمون سخنان شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهوری خلق چین مبنی بر این‌که «جامعه بشری سرنوشتی مشترک دارد» حاوی اصول بی‌نهایت نویدبخشی در جهت همکاری بین‌المللی و دفاع از منافع مشترک جهانی است.

حزب کمونیست فدراسیون روسیه از این حقیقت که روسیه و چین با گام‌های استوار، رابطه دوستی و همکاری‌های نزدیک با یکدیگر را گسترش می‌دهند؛ استقبال می‌کند. گردش مالی رشدیابنده در امور تجاری، اجرای پروژه‌های عظیم مشترک، دیدگاه‌های مشترک درباره رویدادهای سرنوشت‌ساز در تاریخ بشر، از جمله درباره پیروزی بر فاشیسم آلمان، و میلیتاریسم ژاپن و همسانی در ارزیابی از رویدادها و سیاست‌های جهانی، مسائلی هستند که پیوندهای بسیار نزدیک دو کشور را مستحکم می‌کنند.

حزب کمونیست چین نقشی بنیادین در پیشرفت سریع جمهوری خلق چین ایفا می‌کند. حزب کمونیست چین، پایبند به آرمان سوسیالیسم، چالش‌ها و تهدیدهای رویاروی خلق چین را با دقت ارزیابی می‌کند و برای آنها پاسخ‌هایی سزاوار و قانع‌کننده ارائه می‌دهد. حزب کمونیست چین همواره به تقویت روابط دو کشور روسیه و چین یاری رسانده است. آرمان روابط حزب کمونیست چین و حزب کمونیست فدراسیون روسیه، نزدیک‌تر کردن مردم دو کشور، استحکام و تقویت امنیت بین‌المللی و به‌سامان کردن روابط بین‌کشورهای جهان است. در ماه سپتامبر ۲۰۱۹، روابط مشترک میان دو حزب، با امضای تفاهم‌نامه همکاری تقویت شد.

مسیر توسعه‌ای که جمهوری خلق چین برای جهان آینده پیشنهاد می‌کند؛ تهدیدی برای بشریت نیست؛ بلکه تهدیدی است برای امپریالیسم و اشتهای سیری‌ناپذیر آن برای استثمار و تجاوز. دشمنان خلق چین، در حملات گستاخانه علیه این کشور، از هیچ چیزی فروگذار نمی‌کنند. امپریالیست‌ها دست به افترا می‌زنند، جنگ تجاری راه می‌اندازند، جدایی‌طلبی را

مسیر توسعه‌ای که جمهوری خلق چین برای جهان آینده پیشنهاد می‌کند؛ تهدیدی برای بشریت نیست؛ بلکه تهدیدی است برای امپریالیسم و اشتهای سیری‌ناپذیر آن برای استثمار و تجاوز.

تشویق و تحریک می‌کنند و روابط با کشورهای همسایه را مختل می‌سازند. آشکار است که استراتژیست‌های آمریکایی با اجرای طرح‌های مودیان، برای ایفای نقشی معین در تحولات کشور ما آماده می‌شوند. آنها می‌کوشند میان مسکو و پکن تفرقه بیندازند، و به همین دلیل به مسکو وعده می‌دهند که این کشور از تغییر در سمت‌گیری‌های ژئوپلیتیک خود بهره‌مند خواهد شد. حزب کمونیست روسیه برای اعلام نگرانی و هشدار در این باره دلایل کافی در دست دارد، زیرا اطمینان ندارد که محافل متزلزل‌الیگارش‌ی روسیه به نفع غرب تغییر جهت نخواهند داد. موقعیت دست‌پروردگان بوریس یلتسین در بالاترین مراکز قدرت و در قدرت‌مندترین مراجع اقتصادی و مالی، در محافل سیاسی و رسانه‌های ارتباط جمعی هنوز هم بسیار نیرومند است. ارتباط نزدیک این دست‌پروردگان با «کمیته منطقه‌ای واشنگتن» را می‌توان از طریق سرازیر کردن حجم عظیمی از سرمایه، «رسوایی‌های برون‌مرزی» سازمان‌یافته و حساب‌های چندین میلیاردی روس‌های خارج‌نشین، به روشنی نشان داد. برای این الیگارش‌های دست‌پرورده دوران یلتسین، «سیاست چرخش به شرق» تنها یک مانور کوتاه‌مدت است. آنها آینده خود و فرزندان‌شان را در «بهشت غرب» جستجو می‌کنند.

حزب کمونیست روسیه خواستار تقویت روابط روسیه و چین است. ما اطمینان داریم که پشت وعده‌های چرب و شیرین واشنگتن، نقشه‌ها و طرح‌های خطرناک و خائنانانه پنهان است. تفرقه میان مسکو و پکن، یعنی نابودی هر یک به نوبت. کشورهای چین و روسیه بزرگ‌ترین موانع فراروی سرکردگان جهانی سازی امپریالیستی هستند که رویای سلطه همیشگی بر جهان را در ذهن خود می‌پروراند. آنها حریصانه می‌خواهند روسیه را با امکانات نظامی و منابع طبیعی عظیمش همچنان در اختیار خود بگیرند زیرا، سرمایه جهانی به این استیلا، نیاز مبرم دارد. امپریالیست‌ها می‌خواهند تا چین را که رقیب نیرومندی است و گام‌های بلند و استوار برداشته و به موتور رشد اقتصادی جهان تبدیل شده است؛ نابود کنند.

ما اطمینان داریم که پشت وعده‌های چرب و شیرین واشنگتن، نقشه‌ها و طرح‌های خطرناک و خائنانانه پنهان است. تفرقه میان مسکو و پکن، یعنی نابودی هر یک به نوبت. کشورهای چین و روسیه بزرگ‌ترین موانع فراروی سرکردگان جهانی‌سازی امپریالیستی هستند که رویای سلطه همیشگی بر جهان را در ذهن خود می‌پروراند.

در نظر واشنگتن جدایی کشورهای ما و تبدیل چین و روسیه به دو قطب متضاد، یعنی تضعیف هر دو کشور. هواداران جهانی سازی، تفرقه میان روسیه و چین را تسخیر نخستین سنگر در راه اجرای تبهکارانه ترین طرح های خود می دانند. اگر موفق شوند، آسیای مرکزی به آتش کشیده خواهد شد و خاورمیانه به منطقه ای آکنده از تنش های هولناک بدل خواهد شد. شرق دور به منطقه تضادهای وخیم تبدیل می شود. سرمایه برای حفظ حاکمیت و سود هرگز از هیچ تبهکاری و جنایتی فروگذار نخواهد کرد.

روسیه منافع ملی خود را دارد. حزب کمونیست فدراسیون روسیه اطمینان دارد که منافع ملی روسیه را نمی توان از طریق به اصطلاح «کمک های» مؤسسات مالی غرب برآورده کرد. این منافع را تنها با تقویت رابطه استراتژیک با کشورهای می توان تأمین کرد که خواستار صلح و پیشرفت اجتماعی هستند. برای کشور ما، رابطه دوستی و همکاری با چین فرصتی برای توسعه هم زمان اقتصاد و تکنولوژی، تقویت صلح و امنیت و دفاع از حاکمیت ملی در برابر هرگونه تهدید است.

ما به آینده درخشان همکاری های استراتژیک با پکن مطمئن هستیم. شالوده این همکاری ها بر واقعیت های سیاسی و اقتصادی استوار است و بنیان و اساسی تاریخی دارد. تقویت روابط به ما این امکان را می بخشد که پای در مرحله جدید بی سابقه ای از روابط بین دو کشور بگذاریم و توسعه مؤثر و کارآمد دو کشور را تضمین کنیم. ما، هر دو کشور، در مبارزه مؤثر علیه آنتی کمونیسم، شوروی ستیزی، روسیه هراسی و هیستری ضد چینی منافع مشترک فراوان داریم.

استراتژیست های واشنگتن آماده اند برای کشاندن روسیه به ائتلاف بدنام و ننگین «کشورهای دموکرات»، به هر اقدامی دست بزنند. برای رسیدن به این هدف به هر ترفندی دست می یازند، از لغو تحریم ها تا در پیش گرفتن به اصطلاح امتیازهای ویژه برای روسیه از جمله لغو تعرفه های گمرکی. تصادفی نیست که سخنانی ضد چینی پمپئو، با مکالمه تلفنی پوتین و ترامپ هم زمان شد. ما امیدواریم که رئیس جمهور پوتین از ماهیت ماجراجویانه و مخاطره آمیز این پیشنهادهای آگاه باشد.

تجربه تاریخی نابودی اتحاد شوروی ثابت می کند که نباید به وعده و وعیدهای ماوراء

اقیانوس اعتماد کرد. وعده‌های بی‌بنیاد غرب را نمی‌توان با همان ترازوی سنجید که همکاری‌های عمق‌یابنده با چین، کشورهای عضو بریکس و سازمان شانگهای و تقویت همگرایی کشورهای اوراسیا را می‌سنجند. زانو زدن در مقابل خواسته‌های آمریکا به معنای خیانت به منافع ملی روسیه است و این درست هدف ستون پنجم امپریالیسم در میهن ماست. باید توجه داشت که نباید سیاست‌های غرب، از جمله اخراج گروهی دیپلمات‌های روسی، مصادره دارائی‌های روسیه در آمریکا، لیست بلند بالای ممنوعیت ورود مقامات روسی و معاونان آنها به غرب و سرانجام انواع و اقسام تحریم‌ها، روسیه را از سیاست مستقل خود باز دارد.

روسیه نباید اشتباهات گذشته خود را تکرار کند و حق ندارد به ابزار چانه‌زنی آمریکا در بازی‌های ژئوپلیتیکی‌اش تبدیل شود. روس‌ها، چینی‌ها و مردم سراسر جهان حق دارند تا مسیر توسعه ویژه خود را پی بگیرند، آرمان‌های نویدبخشی را طراحی کنند و با اطمینان خاطر در جهت دستیابی به آن‌ها بکوشند.

آینده بشریت را دوستی و همکاری‌های همگانی رقم می‌زند.

<http://www.sovross.ru/articles>

